

طبیعت منهای حضور آدمی

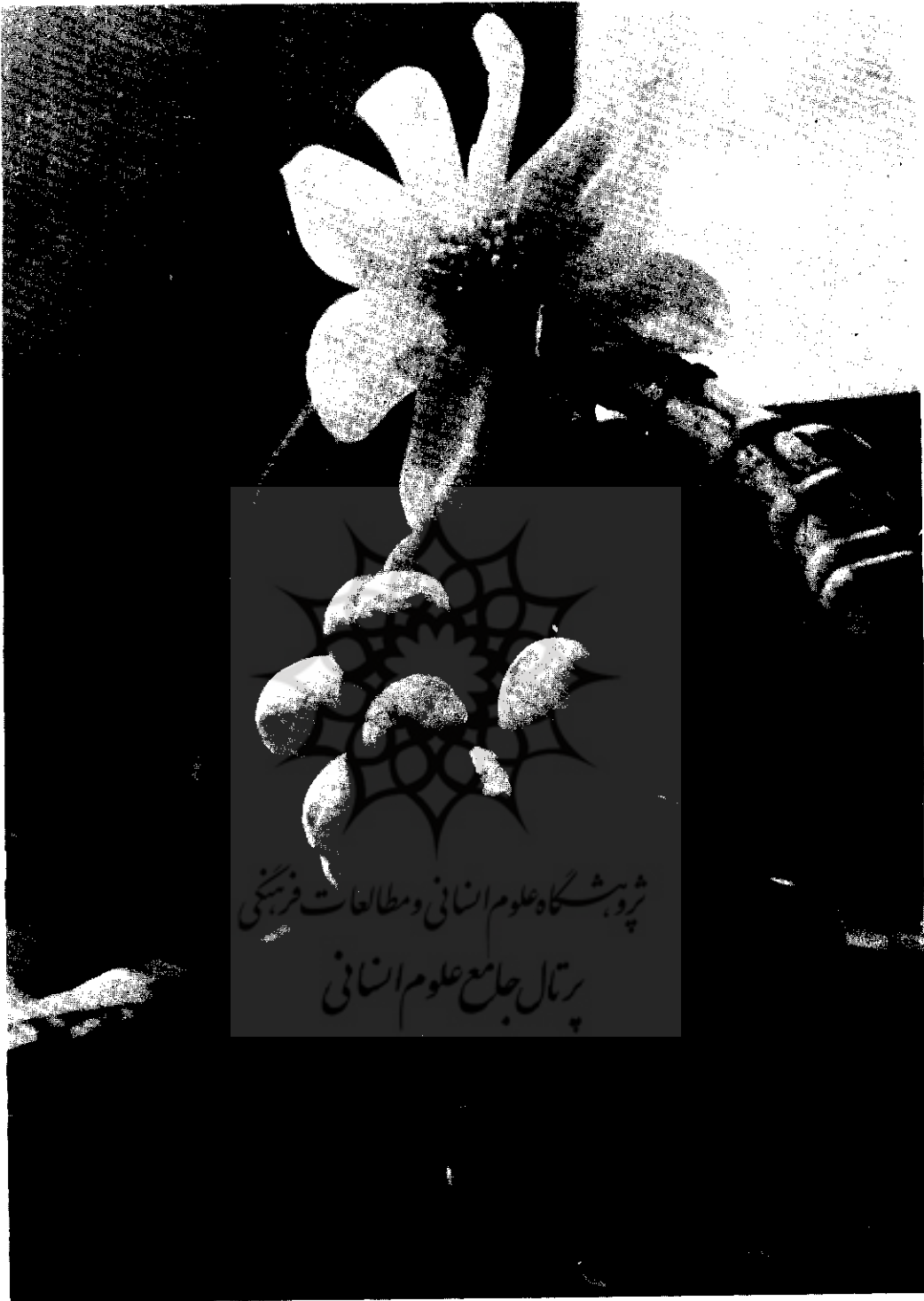
مگنو، بباران». آری، همان چند پسر بچه ای که گلبن های کوچک و خیس نرگس را به ترتیب قد و با انضباط خاص برکف گرفته و عدسی دوربین شیبانی، تنها و تک عکس مزین به حضور آدمیان را با آنها ساخته و پرداخته، گویای این نکته است که چرا فرهاد این همه غریب و دور و دیر از کل ساحت و گستره هستی است؟ شاید به گفته شاعر «... ای خوشا بیگانه ای» و یا به قول شیخ اجل: «سعدی از دست دوستان فریاد». هر چه باشد هست، عکس ها از صمیمیت و مهر خاصی سخن می گویند. گل ها، میوه ها، تک دانه های بلورین و گلگون انار که در گنج قاب ها طلوع کرده اند و شاخسار زرین فام تاک های هوش ربا، و به جز این ها، فراوان، جملگی از هنرمندی سخن می گویند که صداقت و انس و موالفتش با مخاطب را بی واسطه و صریح و ساده و برآمده از دل، به تماشا نشسته است. و اقا، چرا شعر شیبانی به ادبیات معاصر، تعلق قطعی و بی چون و چرا یافته، حال آنکه عکس هایش چندانکه شایسته نام و صیغه مهر اوست، نهانخانه ذهن را مهور و موشح نمی کنند؟ بنظر می رسد هر چه هست از جهان بینی و بینش و نگره و روحیه تنوع طلب و درعین حال گریزان او، مایه و منشأ می گیرد.

در هر حال برای آشنایی بیشتر، عکس هایی از فرهاد شیبانی را برگزیده ایم که از نظر خوانندگان ارجمند «فصلنامه هنر» می گذرد. با این یادآوری که فرهاد شیبانی از شاعران خوب و مطرح دهه های چهل و پنجاه این بوم است و به عنوان عکاس نیز، بخشی از تنهایی اش را با ما قسمت کرده است.

فرهاد شیبانی را بیشتر و پیشتر به عنوان شاعر می شناختیم تا عکاس. مجموعه شعرهای شیبانی به نام «سرخس گیلان های کال» [۱۳۴۹]، حکایتگر و راوی حضور شاعری بود که با طبیعت و جلوه و جمال های آن، انس و الفتی دیرینه دارد.

شعرها را که می خواندی، از گل و میوه و گیاه و پرنده تا بهار و بنفشه و آینه، بنابه وسع و ذوق و خوشداشت هایت باری، چیزی بر می گرفتی. عکس های شیبانی، رهیافت و پی آیند همان شعرهای تنها مجموعه چاپ شده اوست؛ عکس هایی خوش ترکیب و شکیل، با اسلوب و شاکله ای سنجیده و چشم تو از، که خادم القاء و ارسال هیچ نوع پیام و پیغامی نیستند و هر چه هست مظاهر و ماثرب طبیعت است، منتها منهای حضور آدمی. عکس های وی، حسرت و غم و غبن عظیمی از عدم حضور و هستن آدمی را بر کنج و گنجای دل می نشاند. طبیعت، زیبا و خیال انگیز و با برکت است و هنر — این رمز و راز جاودانه — طبیعت به علاوه آدمی است و نه بدون حضور او. و این غیبت و نیستی، در چون و چند آثار وی تماشاگر را به پرسش و تعجب وامی دارد.

ای کاش شیبانی گوشه چشم و نیم نگاهی نیز بر فضا های روابط هزار تو و پیچیده و رنگارنگ آدمیان می انداخت. شاید مصور ساختن دنیای بغرنج و تودرتوی هستن و زیستن بشر، فرهاد را با آن همه خلوص و پاک لوحی و صداقت، حرفی از سر تکلف و تصنع باشد. گویاش! یا که باشند، که به قول شاعر هندی «از باران



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
رتال جامع علوم انساني





شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

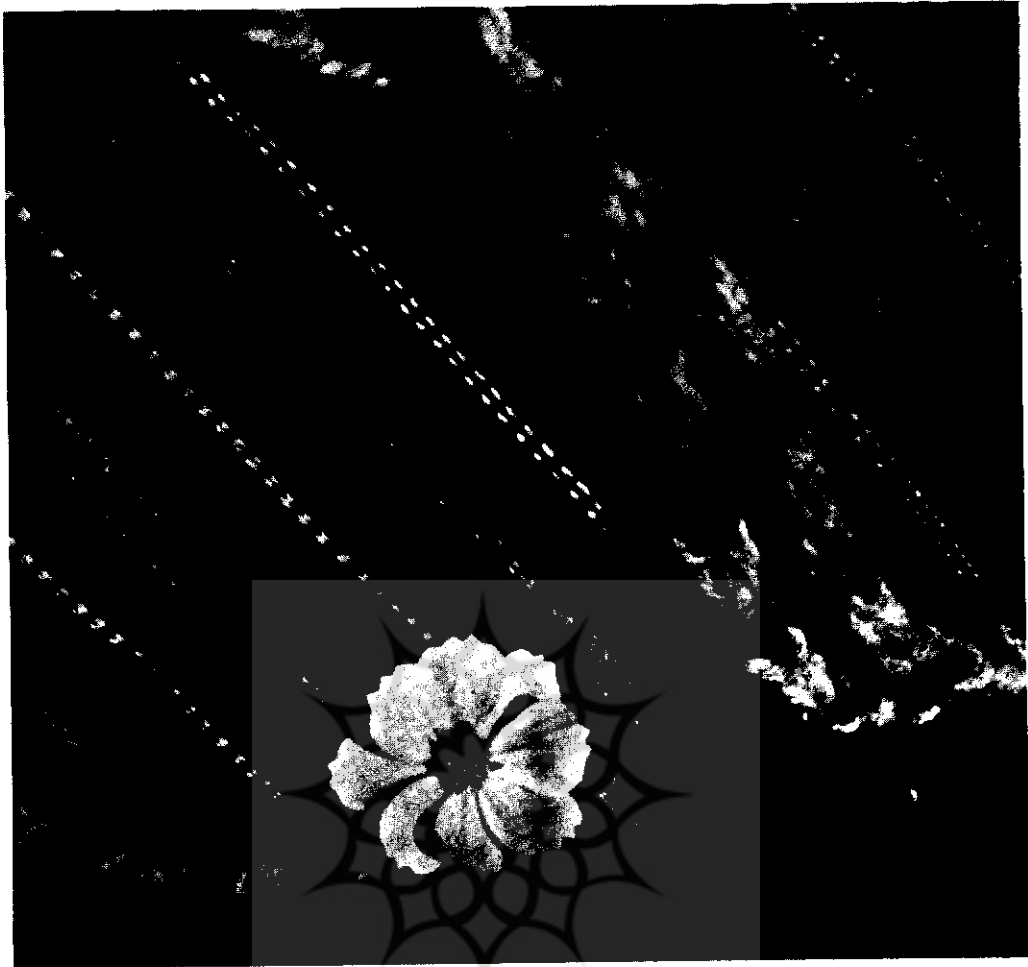




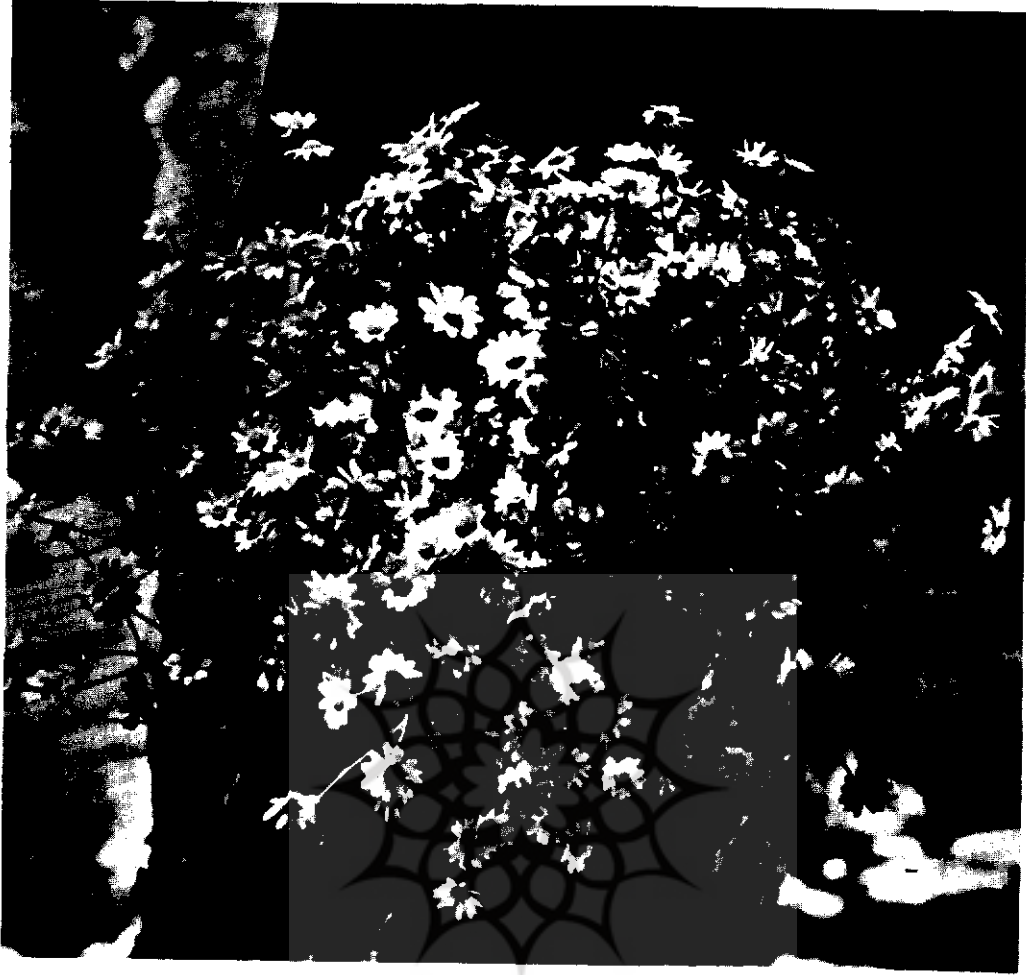
روزنامه نگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی



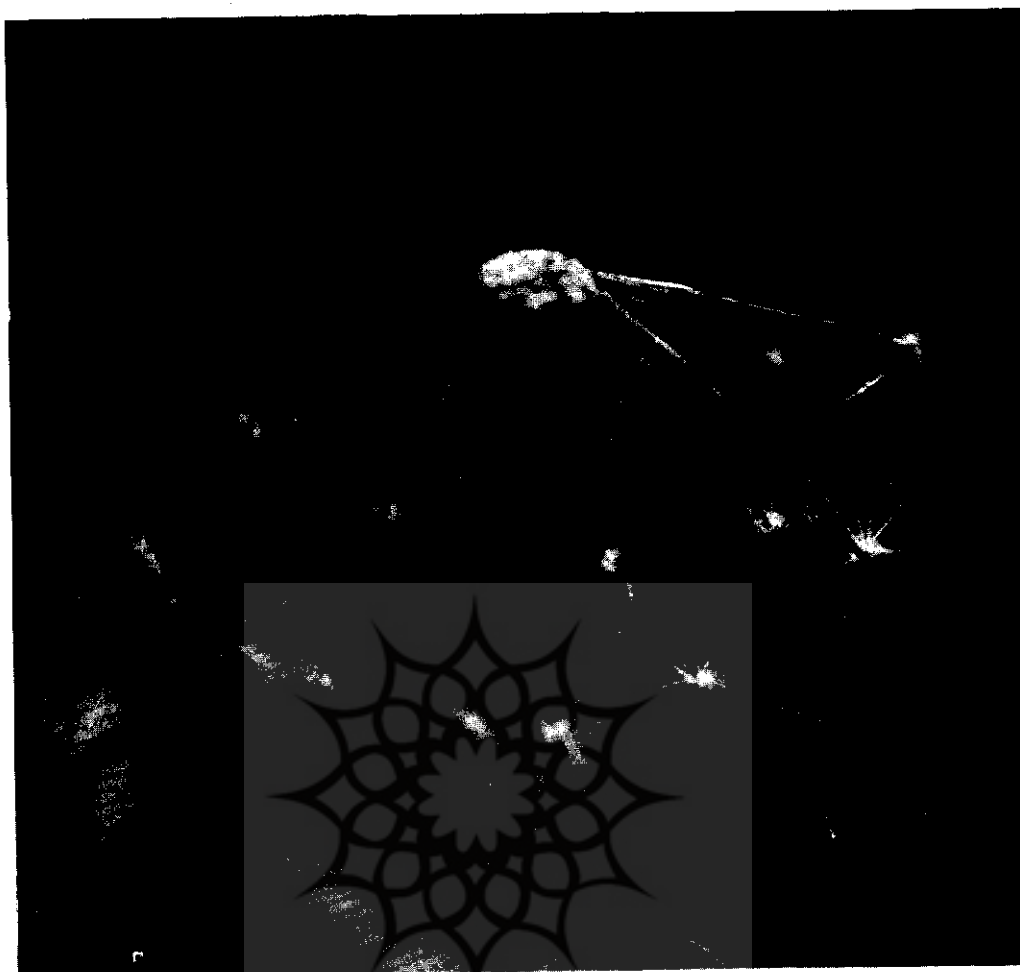
پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی